

غرب‌شناسی تا غرب‌ستیزی: از رشید رضا تا سید قطب



عدنان فلاهی

دکتری فقه و حقوق، پژوهشگر
تاریخ و اندیشه سیاسی

سوم-مانند مسند احمد حنبل (۲۴۱ق) و صحیح مسلم (۲۶۱ق)- گزارش جالبی منسوب به یکی از صحابه پیامبر اسلام (ص) به نام المَستورد بن شداد آمده است که در آن مهم‌ترین و برجسته‌ترین ویژگی‌های رومیان از منظر این صحابی بیان می‌شود:

... همانا در آنان [= رومیان] چهار خصلت وجود دارد: آن‌ها خویشتن‌دارترین افراد در هنگام آشوب و بلوا، سریع‌ترین افراد در بازسازی خویشتن پس از مصیبت، برق‌آساترین افراد در حمله [مجدد] به دشمنی که از او فرار کرده‌اند، و بهترین افراد برای مسکین و یتیم و ضعیف‌اند؛ و خصلت پنجمی هم دارند که زیباست: آن‌ها بازدارنده‌ترین مردم نسبت به ظلم پادشاهان اند.^۳

در نتیجه به نظر می‌آید در اوج دوران اقتدار امپراتوری‌های مسلمین در عصر عباسی و پیش‌تر از آن، و در دوره‌ای که جنگ‌های تمام‌عیار بسیاری میان مسلمین و رومیان درمی‌گرفت، مسئله‌ای به نام «روم‌ستیزی» و ارائه تصویر کاملاً سیاه از این دشمن بزرگ دست بالا را نداشته است.

غرب‌شناسی رشید رضا

شیخ سید محمد رشید رضا (۱۹۳۵م) مشهورترین شاگرد شیخ محمد عبده (۱۹۰۵) و یکی از بزرگ‌ترین مبلغان و پرچمداران جریان سلفیت در دوران موسوم به پسااستعمار بود. ناصرالدین الالبانی (۱۹۹۹م)، محدث بزرگ سلفی معاصر، درباره رشید رضا می‌گوید:

مقدمه

برای مسلمین قرون نخستین که در غرب جغرافیایی خود، در همسایگی امپراتوری روم شرقی یا همان بیزانس زندگی می‌کردند، مفهومی به نام «تمدن غربی»-در معنای امروزی‌اش- هنوز متولد نشده بود. اما اگر بخواهیم از دیدگاه مسلمانان قرون نخستین موجودیتی فرهنگی به نام غرب را تصویر کنیم، به احتمال بسیار زیاد می‌توانیم امپراتوری روم شرقی (بیزانس) را در چنین جایگاهی بشناسیم. جست‌وجو در قدیمی‌ترین منابع مکتوب تراث مسلمین نیز نشان می‌دهد که بزرگ‌ترین و مهم‌ترین «دیگری» برای نسل‌های نخستین مسلمانان-در درون نظام‌های عباسی و اموی- همانا رومیان بوده‌اند.^۱ اما مسلمین در عصر عباسی-و چه بسا پیش‌تر- رومیان را چگونه تصور می‌کردند؟ در دوره‌ای که به نظر نمی‌آمد دستاوردهای علمی یا فنی بیزانس فاصله چشمگیری با هماوردهای اموی یا عباسی خود داشته باشد، مسلمانان چه نگاهی به رقیب قدرتمند غربی خود داشتند؟ آیا در آن دوران هم نظریاتی مشابه با آنچه که امروزه گفتمان «غرب‌ستیزی» نامیده می‌شود وجود داشت یا اینکه نگاه مسلمین به روم (یا همان غرب جغرافیایی خود) نگاهی پدیدارشناسانه بود؟

طبعاً پاسخ به این پرسش‌های کلان نیاز به پژوهش‌های تاریخی دقیق و مفصل دارد، اما در یکی از جالب‌ترین گزارش‌های مکتوب از قرون اولیه اسلام از قضا می‌توان نوعی روم‌شناسی را در آینه متون مقدس دینی یافت. در منابع معتبر حدیثی قرن